

فرامتن اندیشگی (ایدئولوژی) و جلوه های آن

در شعر سال های دفاع مقدس

سپیده یگانه (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه الزهرا (س))

مهین پناهی (استاد گروه زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه الزهرا (س))

کلیدواژه: نظام اندیشگی (ایدئولوژی)، فرامتن، شعر دفاع مقدس

چکیده:

شعر دفاع مقدس به عنوان یک جریان ادبی معاصر که حول یک رویداد تاریخی سیاسی شکل گرفته است؛ شعری فرامتن محور به حساب می آید. یکی از فرامتن های مؤثر در شکل گیری این جریان، فرامتن اندیشگی (ایدئولوژی) است که در سطح انگاره ای (زمینه های محتوایی، فکری و فلسفی) آثار جلوه گر شده است. ایدئولوژی جامعه ایرانی در دهه ۵۰ و ۶۰ هجری شمسی نسبت به جنگ عراق علیه ایران، در سه محور معنایی «قدسی انگاشتن امر دفاع در برابر هجوم نظامی عراق به ایران»، «احیای هویت دینی و ملی»، «صدور آرمان ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و اندیشه فتح عراق»، در اشعار سال های جنگ نمایان شده است؛ که در این میان بسامد «تقدیس امر دفاع» بیش از دیگر موارد مذکور ارزیابی می شود و به تبع آن تمامی ارکان مرتبط با دفاع از مقام رهبری تا فرماندهان، شهدا و جانبازان، تقدیس و از منزلت اجتماعی برخوردار می شوند؛ دفاع ملی به جهاد دینی و نیز تبعیت از فرمان امام، به تکلیفی شرعی ارتقا می یابد.

مقدمه

شعر دفاع مقدس یکی از جریان های ادبی شعر معاصر است که حول پدیده تاریخی جنگ شکل گرفته و همچنان در بستر تاریخ معاصر امتداد یافته است. به واقع، جنگ به منزله فرامتنی تاریخی و زمان مند با زمینه های بروز، سیر تاریخی و پیامدهای مشخص، می تواند فی نفسه عاملی برای ایجاد جریانی ادبی باشد.

منظور از فرامتن «مجموعه سازه هایی است که گرچه بیرون از متن قرار دارند اما پیوسته با آن در تعامل هستند و مهم ترین آنها عبارتند از رسانه ها، ارتباط با ملل دیگر، آحاد انسانی، ایدئولوژی، قدرت سیاسی، اقتصاد، حوادث تاریخی و محیط جغرافیایی» (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۴).

از این رو شعر دفاع مقدس، بر اساس کیفیت تأثیرپذیری از پدیده جنگ، به دو بخش کلی قابل تقسیم است:

الف فرامتن محور: شامل شعرهایی است که تحت تأثیر مستقیم فرامتنی خاص از تاریخ جنگ و پس از آن، سروده شده اند.

ب بافت محور: شامل شعرهایی است که در تعامل کلی با بافت تاریخی جنگ و حول محور محتوایی آن سروده شده اند.

بر این اساس بخش قابل توجهی از شعر دفاع مقدس، شامل سروده های فرامتن محور است. پس از فرامتن تاریخی جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، که از برجسته ترین فرامتن های مؤثر بر شعر دفاع مقدس است، فرامتن ایدئولوژی نیز در شکل گیری جریان ادبی مذکور نقش عمده و جلوه پررنگ داشته است و این پژوهش بر آن است که ماهیت ایدئولوژیک و جلوه های آن را در سروده های هشت سال دفاع مقدس، تحت عنوان نظام یا ساختار اندیشگی (اندیشگانی)، بررسی کند.

بیان مسئله و روش انجام تحقیق

شعر سال های دفاع مقدس برآمده از شعور جمعی و ساختار اندیشگی جامعه ایران، در دهه ۵۰ و ۶۰ هجری شمسی است و این مقوله، به عنوان یک فرامتن، در سطح انگاره ای آثار نمود چشمگیر داشته است. از این رو بررسی نظام اندیشگانی و جلوه های آن در اشعار سال های جنگ یکی از منظرهای مطالعاتی جریان شعر دفاع مقدس به حساب می آید. بر این اساس سروده های زکریا اخلاقی، حسین اسرافیلی، قیصر امین پور، ساعد باقری، پرویز بیگی حبیب آبادی، سید حسن حسینی، احد ده بزرگی، حمید سبزواری، محمدرضا عبدالملکیان، علیرضا قزوه، سهیل محمودی، مشفق کاشانی، موسوی گرمارودی، سیمین دخت وحیدی، سلمان هراتی، که طی سال های جنگ، آثار قاب لتوجهی درای نباره، سروده اند؛ مورد بررسی قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

اگرچه در زمینه ایدئولوژی انقلاب اسلامی پژوهش هایی صورت گرفته است که از آن جمله می توان به کتاب ایدئولوژی انقلاب اسلامی از امید احمدپور شمس آباد، ایدئولوژی انقلاب ایران از لیا مرادی و حمیدرضا اخوان مفرد، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران از مریم سالاری و مقالاتی مانند «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن

بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی «از مصطفی ملکوتیان،» آرمان های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن (چالش ها و واکنش ها) از محمدرضا تاجیک و فرهاد درویش، «انقلاب و جنگ ایران و عراق» از محمدسالار کسرای و سید رحیم موسوی و مانند آنها اشاره کرد. اما آنچه در این مقوله مغفول مانده است نقش مؤثر ایدئولوژی دفاع مقدس به عنوان یک اندیشه مستقل در شکل گیری ادبیات و به ویژه شعر دفاع مقدس است. آن گونه که از عنوان شعر دفاع مقدس برمی آید، این جریان شعری در ارتباط با یک رویداد تاریخی و در راستای نظام اندیشگی شکل گرفته است؛ از این رو بررسی نقش اندیشه در شکل گیری آثار و نیز جلوه های آن در سطح فکری و معنایی آثار ضروری می نماید.

بحث

شعر دفاع مقدس آن چنانکه از عنوانش برمی آید، یک جریان شعری است که حول محور جنگ شکل گرفته است. جنگ می تواند فی نفسه عاملی برای ایجاد جریانی ادبی باشد؛ به عبارت دیگر رخداد جنگ، به منزله امری تاریخی و زمانمند با زمینه های بروز، سیر تاریخی و پیامدهای مشخص، کنشگری عمده در شکل گیری شعر این دوره است و می توان نقش چندگانه آن را ذیل فرامتن های تاریخی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و اندیشگی (ایدئولوژیک) مورد بررسی قرار داد. فرامتن عبارت است از آنچه بیرون متن است اما بر متن تأثیر دارد. این تأثیر و رابطه میان متن و فرامتن، رابط های علی و معلولی نیست بلکه بر مبنای نسبتی تناظری برقرار می شود. «به این ترتیب، ضمن اینکه متن و فرامتن هر یک ب هطور مستقل رشد درونی خود را دارند، تحت تأثیر یکدیگر قرار گرفته، بینشان رابطه تأثیر و تأثر متقابل برقرار می گردد» (زرقانی، ۱۳۹۱: ۴۳) فرامتن اندیشگی (ایدئولوژی)، به عنوان یکی از فرامتن های مؤثر در شکل گیری اشعار دفاع مقدس و جلوه های آن، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. ساختار اندیشگانی (ایدئولوژی) در معنای شیوه های پیوند گفته ها و عقاید، با ساخت و مناسبات قدرت در جامعه (ایگلتون، ۱۳۸۳: ۲۲)، عامل و علت معنوی دگرذیسی ژانرها قلمداد می شود ۱.

فرامتن اندیشگانی (Ideology)

ایدئولوژی برآمده از دو کلمه یونانی (Adios, Logos) به معنای علم ایده ها و عقاید است. دستوت دوتراسی ۲ (۱۷۵۴ - ۱۸۳۶ م.)، فیلسوف و اشرافزاده فرانسوی در عصر روشنگری، این واژه را نخستین بار به این منظور ابداع کرد که «با به کارگیری ایده ها به مثابه ابژه هایی مستقل از هر نوع معنای متافیزیکی، ریشه ها و روابط میان آنها را با روش های تجربی مورد مطالعه قرار دهد» (بشله، ۱۳۷۰: ۵) و بدین صورت روش شناسی علمی برای بازکاوی عقاید و تمایز انواع کاذب و راستین آن ارائه کند (خلیلی، ۱۳۸۵: ۷۶۳). این واژه که در ابتدا دارای وجوه معنایی مثبت بود با آغاز مخالفت ناپلئون با انجمن ایدئولوگ ها، نوعی معنایی

منفی را نیز شامل شد؛ این وجه معنایی منفی با آرای مارکس ۳ (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م.) و انگلس ۴ (۱۸۲۰-۱۸۹۵ م.) تقویت و گسترش یافت و معادل «آگاهی های کاذب و عامل تحریف واقعیت ها» قرار گرفت ۵. پس از آن کارل مائهیم (۱۸۹۳-۱۹۴۷ م.) فیلسوف و جامعه شناس مجارستانی، به این واژه از منظر جامعه شناسی شناخت ۶ می پردازد و آن را «سبک های اندیشه ورزی» می نامد؛ براین اساس حوزه معنایی ایدئولوژی از یک اصطاح به یک جهان بینی عام ارتقا م ییابد (خلیلی، ۱۳۸۵: ۷۶۴-۷۶۵). از آن زمان تاکنون، نظام اندیشگانی (ایدئولوژی) از دیدگاه مکاتب فکری و فلسفی دارای تعاریف گوناگون و گاه متفاوت است و از منظرهای مختلف معرفت شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی به آن پرداخته می شود؛ اما مفهوم مشترک آنها، این است که «ایدئولوژی یک نظام فکری است که بر اساس ارزش های هر جامعه شکل می گیرد و به دنبال هدفی مشترک است» (همان ۷۶۵) واژه ایدئولوژی یک متن است؛ متنی که از یک بافت کلی از رشته های مفهومی گوناگون بافته شده است» (ایگلتون، ۱۳۸۱: ۱۹). به عبار دیگر می توان آن را مجموعه ای نظاممند از ایده های بنیادین فکری دانست که جهت گیری های زندگی فردی، اجتماعی و هنری انسان، برآمده از آن است. اینجاست که ایدئولوژی به عنوان یک فرامتن با ادبیات در جایگاه متن هنری، پیوند می خورد؛ نظام اندیشگانی می تواند به عنوان یکی از عوامل بیرون از متن، بر آفرینش متن ادبی، تأثیرگذار باشد. این تأثیرگذاری، بر آفرینش یک یا چند اثر محدود نمی شود و در جهت گیری های کلان جریان ها و مکتب های ادبی نیز قابل ارزیابی است.

شعر دفاع مقدّس به مثابه متن

شعر دفاع مقدّس یکی از جریان های ادبی معاصر به حساب می آید که در ارتباط تناظری با رویداد جنگ عراق علیه ایران شکل گرفته و در راستای تداوم پیامدهای آن، تاکنون ادامه داشته است. براین اساس می توان شعر دفاع مقدّس را جریانی پویا قلمداد کرد که با خاتمه تاریخی جنگ، پایان نیافت و با تغییر رویکرد پدیده محور به پیامدمحور، از گستره وسیع انگاره ای و سیری رو به رشد برخوردار شد.

با رویداد جنگ تحمیلی، با فاصله زمانی اندک از پیروزی انقلاب، شعر انقلاب اسلامی افق دیگری را پیش روی خود یافت و آن، ایستادگی و دفاع از ارزشها و باورها، حفظ استقلال سیاسی ایران و توجه به حس وطن خواهی بود که به رویکردی تازه، مبتنی بر مضامین کلی دفاع و پایداری، تحت عنوان شعر دفاع مقدّس منجر شد؛ تا آنجا که بعضی از

شاعران نسل انقلاب، معروف ترین آثارشان را در موضوع جنگ سرودند و با آن شعرها شهرت یافتند؛ همچون محمدرضا عبدالملکیان با شعر «حماسه چهارده-ساله»، نصرالله مردانی با شعر «جنگ، جنگ است،

بیا تا صف دشمن نشکنیم»، حمید سبزواری با شعر «وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم» و پرویز بیگی حبی بآبادی با شعر «یاران چه غریبانه رفتند از این خانه» (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴).

بنابر آرای ارسطو، هر چه موضوع متعالی تر باشد نوع شعر نیز متعالی تر است. افکار متعالی از اعمال شایسته و انسان های خوب تقلید می نماید. افکار فرومایه اعمال اشخاص دون را تقلید می نماید (به نقل از هال، ۱۳۷۹: ۲۰). براین اساس شعر دفاع مقدّس را می توان شعری متعالی به حساب آورد که موضوع آن شرح مقاومت و تبعات آن، در برابر هجومی است که علاوه بر مرزهای جغرافیایی، عرصه اندیشه و اعتقادات یک ملت را تهدید می کند. کاظمی میان جنگ عراق علیه ایران و دیگر جنگ های ایران در طول تاریخ، تفاوتی قائل است و آن شکل گیری مقاومتی فراگیر، ملی و ایدئولوژیک است که مانند آن در اثنای تهاجم مغول و جنگ های تیموریان در جامعه ایرانی یافته نمی شود (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۵).

ایران در دهه ۵۰ هجری شمسی، دو پدیده تاریخی اجتماعی انقلاب و جنگ را با فاصله دو سال تجربه کرد و با اقتضائات فراگیر آن روبه رو شد. انقلاب و جنگ در پی ساختار شکنی سیاسی اجتماعی رخ می دهد و آنچه در عمل اتفاق می افتد «معطوف بودن حرکت جمعی هر دو پدیده به سمت به هم ریختن ساختار موجود و طراحی ساختارهای جدید است. چیزی که ظاهراً فقط در انقلاب-ها صورت می گیرد، حال آنکه جنگ ها، انقلاب های اعلام نشده و انقلاب بها، جنگ های اعلام شده اند» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۳۵). بنابراین می توان دهه مذکور را از مهم ترین دوره های تاریخی کشور به حساب آورد که نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به شدت تحت تأثیر و تغییر قرار داد. به عبارت دیگر این دوره، دارای «گفتمان انقلابی، ایدئولوژی دینی، صدور انقلاب، گفتمان دینی و دفاع ملی و ادبیات جنگ» قلمداد می شود (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

براین اساس دفاع از ایدئولوژی یکی از ویژگی های برجسته دفاع مقدّس است که وجه تسمیه آن نیز به حساب می آید؛ واژه «دفاع» در آن بیانگر تحمیلی بودن و تجاوز نیروهای نظامی عراق به تمامیت ارضی ایران است و واژه «مقدس»، به انگیزه آغاز جنگ توسط عراق اشاره دارد که همانا برانداختن حکومت نوپای دینی در ایران بود. از این رو دفاع مردم ایران، تنها دفاعی ملی گرایان ۷ نیست؛ دفاع از ایدئولوژی، دین و ارزشهایی است که حکومت ایران به عنوان نماینده آن در سطح کلان سیاسی و اجتماعی محسوب می شود.

در نتیجه یکی از فرا متن های مؤثر در شکل گیری شعر سال های دفاع مقدّس به مثابه یک متن، فرامتن ایدئولوژیک یا نظام اندیشگانی رایج در جامعه ایران، طی دهه های ۵۰ و ۶۰ است که در بخش گسترده ای از سطح انگار های (زمینه های معنایی عاطفی و پس زمینه های فکری و فلسفی آثار) نمایان می شود؛

همچنین است شعر دفاع مقدس در سال های پس از جنگ، که تحت تأثیر نظام اندیشگانی دهه های ۷۰ و ۸۰ جامعه ایران است. نظام اندیشگی (ایدئولوژیک) و جلوه های آن در شعر سال های دفاع مقدس

تلقى جامعه ایران از رویداد جنگ، فراتر از جنگ های نظامی، و شرکت در آن و رای مدافعه ای ملی بود. هجوم عراق به مرزهای ایران، بیانگر خصومت آن با حکومت نوپای ایران قلمداد می شد که برپایه ایدئولوژی دهه ۵۰ جامعه ایرانی بنا شده بود؛ از این رو تعرض به نظام اندیشگی ایرانیان محسوب می شد. ضمن این که ایدئولوژی مذکور بر مبنای اندیشه های دینی شکل گرفته و عاوه بر بعد سیاسی و اجتماعی، دارای بعد الهی و قدسی بود. از این رو دفاع از این ساختار فکری، نه تنها دفاعی ملی گرایانه، بلکه دفاعی دینی و ارزشی در نظر گرفته می شد. جنگیدن در این عرصه، در حکم شرکت در جهاد بود.

جهاد از فروع دین اسلام و در فرهنگ اسلامی قرآنی به معنای نبرد است حال یا ب همنظور دفاع از اسام و نشر معارف اسلامی باشد و یا نبرد با نفسانیات و تسلیم شدن در برابر اراده حق. آیات و روایات بسیاری در اهمیت جهاد وجود دارد. از آن جمله است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْبَةِ وَالنَّجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» ۸ (توبه: ۱۱).

«مَا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ، وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَ دِرْعُ الْحَصِينَةِ، وَ جَنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ» ۹ (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).

براین اساس نبرد در چنین میدانی با برقراری پیوند میان رویدادهای سیاسی و باورهای دینی به مقام جهاد ارتقا می یابد و کشته شدن در آن به «شهادت» تعبیر می شود. شهادت نیز همانند جهاد در دین اسلام جایگاه والایی دارد و در آیات و احادیث بسیاری به آن پرداخته شده است ۱۰. بدین ترتیب رویداد جنگ تحمیلی از ابعاد سیاسی فراتر می رود و شرکت در آن و تحمل تبعات آن، پس از خاتمه، برای مردم ایران جنبه ارزشی مذهبی دارد.

جلوه های فرامتن اندیشگی در شعر سال های دفاع مقدس یکی از سطوح قابل بررسی در آثار ادبی، سطح انگاره ای است که زمینه های معنایی عاطفی و پس-زمینه های فکری و فلسفی آثار را شامل می شود.

براین اساس گرایش های فکری و مواضع اندیشگی آثار در این سطح جلوه گر می شوند. شعر سال های دفاع مقدس نیز از این قاعده مستثنی نیست و با بررسی سطح انگاره می توان به نظام اندیشگانی سرایندهگان آن، به عنوان نماینده شعور جمعی جامعه ایرانی، دست یافت و مظاهر آن را تحت عناوین زیر و به ترتیب میزان تأثیرگذاری، مورد بررسی قرار داد:

قدسی انگاشتن امر دفاع در برابر هجوم نظامی عراق به ایران یکی از عمده ترین اندیشه های بارز در جریان دفاع مقدس، «قدسی انگاشتن امر دفاع» است. در همه ادیان الهی، توسل به زور در راه خدمت به دین و اشاعه آن مجاز شناخته شده است. تمدن اسلامی نیز دارای زمینه های فکری در زمینه جنگ و نظامی گری در جامعه است. جنگ در اسلام متأثر از دیدگاه های مکتبی و مبتنی بر رویکرد جهاد است. جهاد به معنی نبرد در راه خدا، حفظ دین و دفاع از آزادی های اسلامی است که در ۳۰ از آیه آیات قرآن ۱۱ و ۳۵ بخش از نهج البلاغه به آن پرداخته شده است (شایان مهر، ۱۳۹۱: ۶۰).

براین اساس در اسلام، جهاد برای خدمت به دین سفارش شده و جنگ، یک امر مقدس به شمار می آید. در اندیشه اسلامی دو شرط عمده برای مشروعیت جنگ قید می شود: ۱ رفع فساد از روی زمین چه در داخل و چه در خارج از مرزهای یک جامعه که چنانچه جنگ دنبال نشود فساد گسترش م یابد ۲ امر دفاع (جهاد دفاعی) در مقابل مهاجم باهدف حفظ بقا و تمامیت ارضی (آشفته تهرانی، ۱۳۹۰: ۳۰۹ و میرزایی میانه، ۱۳۹۰: ۱۲۷). بنابراین مشروعیت جنگ و جهاد در اسلام از این دو مسئله گرفته می شود.

با این مقدمه، جنگ عراق علیه ایران جنگی متجاوزانه محسوب می شود که دفاع در مقابل آن تنها مبتنی بر حفظ منافع ملی و میهنی نیست بلکه دفاع از نظام حکومت دینی است و امری مقدس قلمداد می شود. در راستای این اندیشه که پی آیند ایدئولوژی انقلاب اسلامی و خلاف جریان سکولاریسم ۱۲ جهانی بود، تمامی ارکان مرتبط با دفاع از مقام رهبری تا فرماندهان، شهدا و جانبازان، تقدیس و از منزلت اجتماعی برخوردار می شوند؛ دفاع ملی به جهاد دینی و نیز تبعیت از فرمان امام، به تکلیفی شرعی ارتقا می یابد. از مظاهر این اندیشه، نام و اسم رمزهای عملیات مختلف است که مأخوذ از فرهنگ اسلامی شیعی است مانند: عملیات های والفجر، کربا، مسلم، و اسم رمزهای یاالله، یا زهرا(س) و یا ابوالفضل لالعباس(ع). در ظرف کلام نمی گنجد، هرگز/ کوتاه سخن، اصل جهاد است شهید (مشفق کاشانی، ۱۳۷۳: ۵۷)

براین اساس امر دفاع، شهادت و جانبازی مرتبه ای قدسی می یابند و به نوعی مطلوبیت اجتماعی بدل می شوند. این مطلوبیت یا محرکی می شود برای تحصیل آن، یا آرزویی است که برآورده نشده و به رشک ورزی به نایل شدگان و خوداتهامی می انجامد و یا در نازل ترین سطح، به عنوان یک امر ارزشی و قابل احترام در سطح جامعه پذیرفته می شود. پیرو ایدئولوژی مذکور تمامی ارکان مرتبط با امر دفاع از بالاترین مقام (رهبری) تا فرماندهان، رزمندگان، شهدا و جانبازان وجهه قدسی دارند، دفاع ملی به جهاد مذهبی و پیروی از رهبری به امری شرعی تبدیل می شود. سروده های تکریمی، توصیفی، سوگ-سرایبی و انگیزشی در این دوره، بازتاب گسترده ای از اندیشه تقدیس امر دفاع در مقابل هجوم عراق را به نمایش می گذارند. در ادامه محورهای معنایی برآمده از اندیشه «تقدیس امر دفاع» با نمونه هایی از اشعار، می آید: *تقدیس مقام

ممدوح و نیز استفاده از ترکیب های تقدیسی همچون «دست خدا»، «روح خدا» و... (در تکریم امام خمینی(ره))

ای روح خدا که برجهان دادی/ جان دگر، انقلاب را مانی (مشفق کاشانی، ۱۶۴: ۱۳۶۵)

سلام گوی به روح خدا که در تن ما/ دمید روح قیام و جهاد و صبر و ظفر (سبزواری، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

*لزوم اطاعت از مقام رهبری و تفضیل وی بر همتایان سیاسی اش خوش بود شور حسینی داشتن/ سر به رمان خمینی داشتن (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۳۲)

این مدعیان حرم عصمت و تقوا/ جز ژاژ نخبند و، به جز هرزه نلایند باهمت والای تو از پای درافتند/ با منطق گویای تو، بس دیر نیایند (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۸۷)

سربچی از اطاعت شمس هدا خطاست (ده بزرگی، ۱۳۶۷: ۸۱ ۸۲)

*تقریب شخصیتی ممدوح (رهبر، رزمندگان و شهدا) باشخصیت های تاریخ انبیا و اسلام

- همه به دانش و تقوا، نمونه سلمان/ همه شجاع و سخنور، به گونه بودر

- همه چو حمزه به نخجیر کفر، شیرشکار/ همه به عرصه پیکار، مالک اشتر (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۴۲)

فتح خرمشهر نقشی تازه بر دفتر نهاد/ راست چون نقشی که از احزاب و از خیبر گذشت (سبزواری، ۱۳۸۹: ۲۲۹)

از آتش نمرود چنان ابراهیم/ آن کس که نکرد هیچ پروا او بود (وحیدی، ۷۴: ۱۳۷۴)

ای شعله خروش تو بوذروار (وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۰)

راز موسی است مگر در ید بیضای شما (سبزواری، ۱۳۸۹: ۲۳۶)

ای دست علی(ع) در دست، در معركة دشمن/ سر از تن و تن از سر، با تیغ دوپیکر کن (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

سپاه نور، به همراهی کلیم از نیل/ چو غرق رحمت حق شد به یک اشاره گذشت (مشفق کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۰)

همچنین است جلوه این اندیشه، در بهره گیری از آرایه تلمیح به تاریخ انبیا، صدر اسلام و واقعه عاشورا ۱۳؛ که تقریب محتوایی دفاع مقدس با شخصیت های برجسته ادیان و اسام و رویدادهای مربوط به آنها را سبب می شود.

همه به دانش و تقوا، نمونه سلمان/ همه شجاع و سخنور، به گونه بوذر

همه چو حمزه به نخجیر کفر، شیرشکار/ همه به عرصه پیکار، مالک اشتر (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۴۲)

هنوز جوشن بی پشت مرتضی با ماست/ ببین به مشتیان ذوالفقار مولا را (محمودی، ۱۳۶۴: ۴۸)

در ازدحام دست ها به گاه تشییع/ غدیر دل، گواه بیعتی خجسته است

(قزوه، ۱۳۹۰: ۱۱)

زود برخیز که تا قلعه خیبر برسی... (وحیدی، ۱۳۸۱: ۳۷)

به یمن خون شهیدان راه آزادی/ ز نیل بگذر و همچون کلیم ایمن باش (مشفق کاشانی، ۱۳۶۵: ۱۳۴)

اگر کشتی نوح است، شما عرشه نشین اید/ اگر ورطه نیل است شما دست و عصایید (سبزواری، ۱۳۶۸:

۲۸۸)

از این میان تقریب ماهیتی دفاع مقدس با واقعه کربلا بیش از دیگر موارد نمود یافته است؛ «انقلاب اسلامی

استمرار انقلاب عاشورای حسینی است. از جمله پیام هایی که همواره توسط گیرنده ها و فرستنده های

نیروهای اسلام در حین عملیات متعدد پخش شد یا در وصایای شهدا به ما رسیده است همان پیام عاشورا

است...» (اکبری، ۱۳۷۷: ۱۲۸)

خطی از خون و شقایق از شهید/ از علم داران بی دست رشید (اسرافیلی، ۲۰۲: ۱۳۸۶)

این بوی ناب وصال است یا عطر گل های سیب است... (قزوه، ۱۳۸۷: ۲۳)

بر دفتر عاشورا اینک ورقی دیگر/ تا از پی ما خوانند این قصه به دوران ها (سبزواری، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

آنان که به مرگ سرخ لبخند زدند/ پیمانۀ حق، حسین مانند زدند (باقری، ۱۳۶۵: ۲۰)

- اینجا جنوب نیست، حضوری ز کربلاست (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

فصل دیگر می گشایند از کتاب کربلا/ عشق را با جوهر خون نقش دیگر می کشند (باقری، ۱۳۶۵ : ۲۰)
معراج مردان را/ قامت بستنی به زخم حسین/ در ظهر عاشورا (حسینی، ۱۳۹۱: ۶۵)

براین اساس محورهای تلمیحی مذکور به دو قسمت قابل تقسیم اند.

الف تاریخ اسلام (شیعه) و شخصیت های برجسته شیعی (به ویژه واقعه کربلا و نیز جنگاوری حضرت
علی(ع))

ب تاریخ انبیا با بن مایه امداد الهی به پیامبران

*** تقریب معنایی میان دشمنان ایران با دشمنان صدر اسلام**

او هنوز فریاد می زند، ای صدام/ ای آل یزید، ای حمال الحطب بعثی (کاشانی به نقل از گل مرادی، ۱۳۸۱ :
۲۲۳)

پیکار ما با مشرکان، با بولهب هاست (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف: ۴۸)

بیا که ناکث و مارق به عرصه تاخته اند (سبزواری، ۱۳۸۹ : ۱۷۱)

*تبیین نبرد تاریخی و بی پایان، میان حق و باطل و امیدواری به پیروزی

حق و فرج موعود(عج)

هرگز نه بستیزد چنین با شهر، صدام/ این جنگ، جنگ کفر صدام است و اسلام

زنجیره تاریخی این جنگ دور است/ بیچاره دشمن کی تواند دید، کور است (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف:
۴۸)

به پیروزی یقین دارم که دست حق به هر مشکل / سرانگشتی نهان در کار ما مشکل گشا دارد (سبزواری،
۱۳۶۸ : ۳۰۴)

ولی عاقبت آید از ره سواری/ که چاووش نور است و پیک پگاهی (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۷ : ۵۶)

عاقبت آن سوار می آید/ بی قراران، قرار می آید (همان، ۱۳۶۹ : ۷۸)

*شهادت طلبی

الهی خون من سرخا بگون کن/ الهی خون من را نیز خون کن (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف: ۵۸)

شهادت می ناب سرخ است یارب/ از این باده سرشار کن ساغر من (وحیدی، ۱۳۸۱ : ۱۶۴)

*ترغیب و تشجیع جامعه ایرانی برای با مقابله با دشمن

هنوز در پی ترفندهای شیطانی است/ چو شیر شرز به آوردگاه دشمن باش (مشفق کاشانی، ۱۳۶۵ : ۱۳۴)

تیر هاک افکنید، خصم به خاک افکنید/ وقت خطر کردن است، بزمه سزاوار نیست (سبزواری، ۱۳۶۸ : ۲۸۲)

تیغ هجوم در کف کفر است/ برخیز و ره ببند خطر را (وحیدی، ۱۳۸۱ : ۹۱)

گه آن گه است که بی خویش و بی قرار شویم/ شبانه رخس خطرپوی را سوار شویم

گه آن گه است که پوشیم جوشن بی پشت/ به خاک تیره فشانیم بذر صبح از مشت (باقری، ۱۳۶۵ : ۴۳)

دریادلان ساحل سبز خلیج نور/ با تیر غیب ناو ستم را فنا کنید (ده بزرگی، ۱۳۶۷ : ۸۲)

*توبیخ و ملامت عافیت طلبان

ما از کدام حادثه می گوئیم؟/ وقت یکه در کنار گود ایستاده ایم (امین پور به نقل از شاهرخی و مشفق

کاشانی، ۱۳۶۷ : ۳۷)

وقتی جنوب را/ بمباران کردند/ تو در ویای شمال یات/ برای حل کدام جدول بغرنج/ از پنجره به دریا نگاه

می کردی؟ (هراتی، ۱۳۶۴ : ۶۹)

*خوداتهامی

عبارت است از انتقاد شاعر از من فردی، که «خوداتهامی» نامیده می شود: «شاعر و نویسنده با مشاهده

عظمت رزمندگان، خود را با آنان م یسنجد و بازماندن از ارزش های آنان یا نرسیدن به شهادت را

سوگمندانه و دردمندانه بیان می کند و به سرزنش خویش می پردازد» (سنگری، ۱۳۹۰ : ۳۴). این انگاره

در پی اندیشه تقدیس امر نبرد و شهادت در راه آن، در شعر دفاع مقدس جلوه گر می شود.

بر گردن خود وبالیم، آلوده ابتدالیم... (محمودی، ۱۳۶۹ : ۶۸)

نیستم قابل آن بال رهایی که تو راست/ من اسیر هوسم، در قفس افتاده دلم (اسرافیلی، ۱۳۸۶ : ۱۶۳)

دل من گره گیر من ماند/ چه مردان سبزی به آیین افرا رسیدند (عبدالملکیان، ۱۳۷۴: ۱۵)

هر صبح و شام/ رو به قبله یاد تو/ نماز افسوس می گزارم/ وضو ز اشک ناپیدای درد می گیرم/ و زردرو از شرم/ بر سجاده خسران/ قامت می بندم (حسینی، ۱۳۹۱: ۶۳)

اگر رسول روزگار خویش می خوانمت/ طواف/ برمدار گزاف نکرد هام/ تو با آن زخم کاری/ که در شقیقه داری/ به «نه» گفتمی «آری»!/ و ما به خواری زمزمه کردیم «آری»/ بزرگان «نه» را برمی گزینند/ و حقیران به خواری/ تن به «آری» می دهند! (حسینی، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۲)

آید گرانم از خود این ماندن و ز یاران/ چونین سبک به رفتن پای شتاب دیدن (باقری، ۱۳۶۵: ۳۶)

ما و همین پلشتی و این دنیا/ ما و همین غریبی و این خواری (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف: ۸۳)

*** غبطه بر دستیابی شهید به وصال الهی**

در جشن خون و فریاد، جانا مبارکت باد/ ز آن پرتو سحرزاد رخ بی نقاب دیدن (باقری، ۱۳۶۵: ۳۵)

*** تداوم راه شهید و گرفتن انتقام خون او**

که ز پا هیچ و هیچ ننشینیم/ تا شکوفای فجر را بینیم (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۶۹: ۷۸)

باید این مسئله را حل بکنیم/ من به دنبال قلم می گشتم/ پدرم نیز به دنبال تفنگش می گشت (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۸۹)

که خون تو را نیز با خون بشویم/ به خون ار بغلتد همه پیکر من (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

احیای هویت دینی و ملی

احیای هویت دینی و ملی، کلیدواژه فلسفی انقلاب اسلامی است که منشأ تحولات بسیار در سطح اندیشگی جامعه از جمله دین محوری محسوب می شود. میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴ م.)، فیلسوف، تاریخ دان و متفکر معاصر فرانسوی، از جمله نظریه پردازانی است که از این منظر به انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. وی معتقد است مردم ایران در پی تغییر همه جانبه هویت انسانی برآمدند که ریشه آن در سنت اسلام است و از پیش در فرهنگ ایرانیان حضور داشته و به آنان هویت می داده است. وی معتقد است: «آنچه به جنبش ایران قدرت بخشید، یک ویژگی دوگانه است. از یک سو، اراد های جمعی که از لحاظ سیاسی کاملاً مستحکم

شده است و از سوی دیگر، اراده به تغییر ریشه ای زندگی. اما این تأیید دوگانه صرفاً می تواند بر سنت ها متکی باشد « (فوکو، ۱۳۹۲ : ۶۷) و می افزاید: «مذهب برای آنان [ایرانیان] نوید و تضمین وسیل های برای تغییر ریشه ای ذهنیت (سوبژکتیویته) شان است» (همان: ۶۰). فوکو در تبیین سیر رجوعی جامعه ایرانی به سنت، انقاب ایران را اعتراضی با انگاره دینی می داند. سپس به مذهب تشیع به طور خاص توجه می کند و آن را این گونه تعریف می کند:

«تشیع دقیقاً شکلی از اسلام است که با تعالیم و محتوای باطنی خود میان اطاعت صرف بیرونی و زندگی عمیق معنوی تمایز قائل می شود» (فوکو، ۱۳۹۲ : ۶۰). وی در پایان اذعان می کند که اسام در جریان انقلاب اسلامی نه تنها افیون توده ها ۱۵ نبوده بلکه «روح یک جهان بی روح» بوده است (همان: ۶۱).

سرشت اسلامی ایرانی انقلاب السامی، در سال های جنگ تقویت شد و در جریا نهایی نظامی و فرهنگی تأثیرگذار بود. براین اساس شعر، که حاصل ارتباط تناظری اندیشه سراینده و شعور جمعی است، در سا لهای جنگ، احیاگر بن مایه های دینی و فرهنگی ایرانی اسلامی و سنت های ادبی محسوب می شود ۱۶. در ادامه جلوه های معنایی این اندیشه با نمونه های می آید:

*مفاخره ملی (تفاخر به «من» نوعی و «ما» ملی)

گمان مبر که من آرام و رام م میرم / من آتشم که جهان را به کام می گیرم

برای دشمن من جز شکست راهی نیست / که غیر آتش من بهر او پناهی نیست (وحیدی، ۱۳۸۱ : ۷۴)

با پنجه ما هر که در آویخته است / خون وی و خاک درهم آمیخته است (باقری، ۱۳۶۵ : ۸۰)

اینجا هشتادسالگی / بر تانک می نشیند و می جنگد (عبدالملکیان، ۱۳۷۸ : ۴۴)

ما پشت دشمن را به هر میدان شکستیم / وین صخره را با قدرت ایمان شکستیم (سبزواری، ۱۳۸۹ : ۲۲۵)

ب یشک سال آینده سال ماست / سال را ما تعیین می کنیم (هراتی، ۱۳۸۶ : ۱۲۷)

*تأکید بر صفات و سجایای اخلاقی ملی (ایستادگی، بی باکی، هیبت)

اگر دشنه آذین کنی گرده مان / نبینی تو هرگز دل آزرده مان (حسینی، ۱۳۹۱ : ۴۳)

این شجاعت ز که دارید که درمی شکند / لشکر خصم ز تکبیر دلارای شما (سبزواری، ۱۳۸۹ : ۲۳۶)

نمی هراسند از موج و تندر و توفان/ نمی گریزند از تیغ و ناوک و پیکان (سبزواری، ۱۳۸۹: ۲۷۵)

وقتی لاشخواران از دورترین غار ترس/ در آسمان پیدا می شوند/ و فضله های زهرآگین/ به دامان سپید شهر می افکنند؛ شهر بی اعتنا به لاشخواران و زاغان/ دامن خود را می تکاند (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

*تذکار پیشینه عرفانی جامعه ایرانی

بلبل داستان سرای باغ عرفانیم ما/ گلشن اشراق را مرغ غزل خوانیم ما (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۶)

ز خون تازه منصور ما به چوبه دار/ جوانه های آنالحق هماره می جوشد (اخلاقی، ۱۳۷۸: ۳۳)

*یادکردی از برهه های سخت تاریخ ایران

از ناخن بعثی به رخ ناسور داری/ خاکم به سر سیمای نیشابور داری (سبزواری، ۱۳۸۹: ۲۱۸)

*تحقیر مخالفان

این شما هستید هر ساعت زده نقشی دگر/ همچو بوقلمون به صد رنگ آمده اندر خرام (سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۰۰ ۳۰۱)

صدر انقلاب و فتح عراق

اندیشه صدر جریان اندیشگی انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای مسلمان، از جمله آرمانهایی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و در شعر نخستین سال های جنگ، به اوج خود رسید. امام خمینی (ره)، در مقام رهبر انقلاب اسلامی، به توسعه نهضت جمهوری اسلامی معتقد است. وی در تاریخ ۱۰ / ۱۰ / ۵۷ در این باره می گوید: «نهضت مقدس ایران، نهضت السامی است و ازای نجهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می گیرند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴: ۲۵). امام بارها هدف ستیزه جویی و کشورگشایی را از رویکردهای برآمده از اندیشه «صدر انقاب» انکار می-کند و آن را به صدر انقلاب فرهنگی با ابزار تبلیغات، تعبیر می کند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۲۸۳). به عبارتی دیگر هدف از آن، صدر انقلاب به عنوان یک الگوی حکومتی به دیگر کشورهای مسلمان بود.

کسینجر ۱۷ (۱۹۲۳ م)، سیاست مدار امریکایی و وزیر امور خارجه کابینه نیکسون ۱۸ (۱۹۱۳ ۱۹۹۴ م)، در این ارتباط می گوید: «اگر انقلاب در چهارچوب جغرافیایی ایران خلاصه شود، برای ما قبال توجه است. ولی متوجه بودن صدر پیام انقلاب اسلامی، که حداقل خطاب به مسلمانان است، منافع و امنیت

مقامات واشنگتن را تهدید می کند» (به نقل از کسرای و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). از این رو می توان یکی از دلایل ایستادگی جهان غرب در برابر نظام جمهوری اسلامی را، در همین نظام اندیشگی، ریشه یابی کرد.

این ایدئولوژی در شعر این دوره نیز جلوه گر شده است و شایان ذکر است که بافاصله گرفتن از سال-های نخستین جنگ و با توجه به فشارهای نظامی و شرایط سخت اقتصادی، مقهور دیدگاه واقع گرایانه می شود و در گستره محدودتری در اشعار سال های واپسین جنگ، خودنمایی می کند. فصل صدور نور شد ای شب شکارها (ده بزرگی، ۱۳۶۷: ۸۲)

از پیوند دو ایدئولوژی «قدسی انگاشتن امر دفاع» و «صدور انقلاب»، ایدئولوژی دیگری زاده می شود که اندیشه فتح عراق است. این اندیشه به ویژه در سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ ه.ش با ورود ایران به خاک عراق وجهه عملی یافت و در سروده های انگیزشی و توصیفی جلوه گر شد. نمونه های زیر جلوه-گاه اندیشه مذکورند:

بغداد خیبری دگر است ای دلاوران (ده بزرگی، ۱۳۶۷: ۸۲)

نویای فتح عراق است بر لب عشاق/ بخوان به شور حسینی هر آنچه بادآباد (ده بزرگی، ۱۳۶۷: ۱۰۲)

تعبیر خونشان کن یارب! به فتح یاران/ دیدار کربا را تا کی به خوابدین (باقری، ۱۳۶۵: ۳۶)

راهی به کربا و پ سازآن حریم قدس/ آزادی حریم و سرای عظیم قدس

(براتی پور، ۱۳۸۹: ۴۱)

علم ز بصره برآرید و بر بیاره زنید/ لویای فتح ز بغداد تا اماره زنید(سبزواری، ۱۳۸۹: ۲۱۴)

نتیجه

با توجه به مطالب گفت هشده می توان این گونه نتیجه گرفت که جریان ادبی شعر دفاع مقدس، جریانی است که در ارتباط تنگاتنگ با فرامتن تاریخی سیاسی جنگ عراق علیه ایران شکل گرفته است و می-توان نقش مجموعه ای از فرامتن های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فکری و ایدئولوژیک را در سطوح مختلف سروده ها مورد مطالعه قرار داد. یکی از این فرامتن ها، که در سطح انگاره ای (زمینه های محتوایی، فکری و فلسفی) آثار و تحت حوزه های معنایی متنوع، جلوه گر شده است؛ فرامتن اندیشگی (ایدئولوژی) است. تلقی جامعه ایران از رویداد جنگ، فراتر از جنگ های نظامی، و شرکت در آن ورای مدافع های ملی بود. هجوم عراق به مرزهای ایران، بیانگر

خصوصیت آن با حکومت نوپای ایران قلمداد می شد که برپایهٔ ایدئولوژی دههٔ ۵۰ جامعهٔ ایرانی بنا شده بود؛ از این رو تعرضی به نظام اندیشگی ایرانیان محسوب می شد. ضمن این که ایدئولوژی مذکور بر مبنای اندیشه های دینی شکل گرفته و علاوه بر بعد سیاسی و اجتماعی، دارای بعد الوهی و قدسی بود. از این رو دفاع از این ساختار فکری، نه تنها دفاعی ملی گرایانه، بلکه دفاعی دینی و ارزشی در نظر گرفته می شد. جنگیدن در این عرصه، در حکم شرکت در جهاد بود.

ایدئولوژی مذکور تحت سه عنوان در سروده های دفاع مقدس نمود داشته است:

«قدسی انگاشتن امر دفاع در برابر هجوم نظامی عراق به ایران»، «احیای هویت دینی و ملی»، «صدور آرمان ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و اندیشهٔ فتح عراق»، سه محور اندیشگانی مذکور، بیشترین تأثیر را در حوزهٔ انگاره ای (محتوایی) سروده های سال های جنگ به خود اختصاص داده اند و زمینهٔ پیدایش زیرانگاره های متنوعی را فراهم آورده اند؛ که از آن جمله است: «مفاخرهٔ ملی»، «تذکار پیشینهٔ عرفانی جامعهٔ ایرانی»، «یادکردی از برهه های سخت تاریخ ایران»، «تأکید بر صفات و سجایای اخلاقی ملی (ایستادگی، بی باکی، هیبت و...)»، «تحقیر مخالفان»، «تقدیس مقام رهبر و لزوم اطاعت از آن»، «تقریب شخصیتی ممدوح (رهبر، رزمندگان و شهدا) باشخصیت های تاریخ انبیا و اسلام»، «تقریب معنایی میان دشمنان ایران با دشمنان صدر اسلام»، «تبیین نبرد تاریخی و بی پایان، میان حق و باطل و امیدواری به پیروزی حق و فرج موعود(عج)»، «شهادت طلبی»، «ترغیب و تشجیع جامعهٔ ایرانی برای با مقابله با دشمن»، «توبیخ و ملامت عافیت طلبان»، «خوداتهامی»، «غبطه بر دستیابی شهید به وصال الهی»، «تداوم راه شهید و گرفتن انتقام خون او» و مانند آنها.

پی نوشت

۱. برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: زرقانی، ۱۳۹۰: ۲۳۸-۲۳۹.

۲. Antoine Destutt de Tracy

Karl Marx 3.

Friedrich Engels -4

۵- برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: راش، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۸.

۸- در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است. پس به معامله ای که با او کرده اید شادمان باشید و این همان رستگاری بزرگ است.

۹- پس از حمد خدا، جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیای خاص خود گشوده است، جهاد جامه پرهیزگاری، زره استوار و سپر مطمئن خداست.

۱۰- برای نمونه ر.ک: آل عمران ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۹۵؛ بقره ۱۵۴؛ حج ۵۸، ۵۹؛ نساء ۷۴؛ توبه ۵۲.

۱۱- از آن جمله است: آل عمران: ۱۲۱، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۶۹، ۱۷۲؛ توبه: ۹۳؛ روم: ۱؛ بقره: ۲۱۸ و ۲۴۴؛ حج: ۵۸، صف: ۱۱ و ...

12- secularism مکتبی است بر مبنای جدایی نهادهای حکومتی و دولتی از نهادهای دینی (بابایی، ۱۳۹۱: ذیل واژه).

۱۳- منوچهر اکبری فصلی از کتاب نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس را به تحلیل و بررسی نقش واقعه عاشورا در شعر جنگ اختصاص داده است. برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: اکبری، ۱۳۷۷: ۱۲۳، ۱۴۱.

Paul Michel Foucault -14

۱۵- اشاره دارد به جمله «مذهب افیون توده هاست» از کارل مارکس.

۱۶- این مقوله به معنای انکار نوگرایی در سطوح مختلف شعر دفاع مقدس نیست.

Henry Alfred Kissinger -17

Richard Milhous Nixon -18

منابع

۱- القرآن الکریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تهران: شب تاب، ۱۳۸۷.

۲ - نهج البلاغه اميرالمؤمنين على عليه السلام، (۱۳۸۴)، (ترجمه علامه جعفری)، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳- الموسوی الخمينی(ره)، روح الله، (، ۱۳۷۴) «صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی(ره)،» تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، عروج.

۴- الموسوی الخمينی(ره)، روح الله، (، «،» ۱۳۷۸) صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) ۲۲، ج، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۵ - الف کتاب ها

۶- آشفته تهرانی، امیر، ۱۳۹۰ جامعه شناسی جنگ و نیروهای آرتشی، تهران: دانژه.

۷- اخلاقی، زکریا، ۱۳۷۸ تبسم های شرقی، چ ۲، تهران: سوره مهر.

۸ - اسرافیلی، حسین، ۱۳۸۶ ردپای صدا، تهران: تکا.

۹ - اکبری، منوچهر، ۱۳۷۷ نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱۰- امین پور، قیصر ۱۳۹۰، مجموعه کامل اشعار: از شعرهای ۱۳۵۹ ۱۳۸۵، چ ۷، تهران: مروارید.

۱۱- ایگلتون، تری، ۱۳۸۱ درآمدی بر ایدئولوژی ترجمه اکبر معصومی بیگی، تهران: آگه.

۱۲- ایگلتون، تری، ۱۳۸۳ مارکسیسم و نقد ادبی، ترجمه اکبر معصومی بیگی، تهران: دیگر.

۱۳ - بابایی، پرویز، (۱۳۹۱) فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی، تهران: نگاه.

۱۴- باقری، ساعد، ۱۳۶۵ نجوای جنون، تهران: برگ.

۱۵- براتی پور، عباس، ۱۳۸۹ آت شسواران: سروده های دفاع مقدس، تهران: سوره مهر.

۱۶ - بشلر، ژان، ۱۳۷۰ ایدئولوژی چیست؟ (ترجمه علی اسدی) تهران: سهامی انتشار.

۱۷ - بیگی حبیب آبادی، پرویز، ۱۳۶۹، غربیانه، تهران: امیرکبیر.

۱۸ - بیگی حبیب آبادی، پرویز، (، «،» ۱۳۸۷) فصل سوم «، تهران: تکا.

۱۹- حسینی، سیدحسن، ۱۳۹۱ ه مصدا با حلق اسماعیل، چ ۶، تهران: سوره مهر.

- ۲۰- ده بزرگی، احد، ۱۳۶۷ در آینه شقایق، تهران: برگ.
- ۲۱- راش، مایکل، ۱۳۷۷ جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ۲۲- زرقانی، سیدمهدی، ۱۳۹۰ تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم به انضمام نظریه تاریخ ادبیات، چ ۲، تهران: سخن.
- ۲۳- زرقانی، سیدمهدی، ۱۳۹۱ چشم انداز شعر معاصر ایران: جریان شناسی شعر ایران در قرن بیستم، ویراست دوم، تهران، ثالث.
- ۲۴- سبزواری، حمید، ۱۳۶۸ دیوان اشعار، تهران: کیهان.
- ۲۵- سبزواری، حمید، ۱۳۸۹ سرود سپیده، تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.
- ۲۶- سنگری، محمدرضا، ۱۳۹۰ ادبیات دفاع مقدس: مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی، تهران: صریح.
- ۲۷- شاه‌رخ، محمود و مشفق کاشانی، عباس، ۱۳۶۷ مجموعه شعر جنگ، تهران: امیرکبیر.
- ۲۸- عبدالملکیان، محمدرضا، ۱۳۷۴ ردپای روشن باران، تهران: دارینوش.
- ۲۹- فتوحی، محمود، ۱۳۸۷ نظریه تاریخ ادبیات: با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران، تهران: سخن.
- ۳۰- فوکو، میشل، ۱۳۹۲ ایران: روح یک جهان بی روح: و نه گفت وگویی دیگر با میشل فوکو، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، چ ۹، تهران: نی.
- ۳۱- قزوه، علیرضا، ۱۳۸۷ سوره انگور، تهران: تکا.
- ۳۲- قزوه، علیرضا، ۱۳۹۰ از نخلستان تا خیابان، چ ۱۶، تهران: سوره مهر.
- ۳۳- کاظمی، محمدکاظم، ۱۳۹۰ ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر.
- ۳۴- گل مرادی، شیرینعلی، ۱۳۸۱ آوازهای گل محمدی، تهران: فرهنگ گستر.
- ۳۵- محمودی (ثابت)، سهیل، ۱۳۶۴ دریا در غدیر، تهران: حوزه هنری.
- ۳۶- محمودی (ثابت)، سهیل، ۱۳۶۹ فصلی از عاشقانه‌ها، تهران: همراه.

- ۳۷ - مشفق کاشانی، عباس، ۱۳۶۵ آذرخس: گزیده اشعار، تهران: کیهان.
- ۳۸ - مشفق کاشانی، عباس، ۱۳۷۳ سرود سرخ بهار، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳۹ - مشفق کاشانی، عباس، ۱۳۸۲ سیرنگ، تهران: فرهنگ گستر.
- ۴۰ - موسوی گرمارودی، علی، « ۱۳۸۹، خواب ارغوانی»، تهران: سوره مهر.
- ۴۱ - میرزایی میانه، منصور، ۱۳۹۰ جامعه شناسی جنگ و آشنایی با دفاع مقدس، تهران: نبوی.
- ۴۲ - وحیدی، سیمی ندخت، ۱۳۷۴ یک آسمان شقایق: گزیده شعر جنگ، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴۳ - وحیدی، سیمی ندخت، ۱۳۸۱ هشت فصل سرخ و سبز: مجموعه اشعار دفاع مقدس، تهران: برگ زیتون.
- ۴۴ - هال، ورنن، ۱۳۷۹ تاریخچه نقد ادبی ترجمه هادی آقاجانی و...، تهران: رهنما.
- ۴۵ - هراتی، سلمان، ۱۳۶۴ از آسمان سبز، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴۶ - هراتی، سلمان، ۱۳۸۶ آب در سماور کهنه: گزیده اشعار، تهران: تکا.

ب مقاله ها

- ۴۷ - آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۱ جنگ یا انقلاب اجتماعی، جنگ و خاطره: مجموعه مقالات، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۲۲، ۴۴.
- ۴۸ - خلیلی، رضا، ۱۳۸۵ ایدئولوژی و استراتژی؛ نسبت سنجی مفهومی نگرش ایدئولوژیک و تفکر استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳۴: ۷۵۹-۷۸۸.
- ۴۹ - کسرای، محمدسالار و موسوی، سیدرحیم، ۱۳۹۲ انقلاب و جنگ ایران و عراق، پژوهشنامه متین، بهار، س ۱۵، ش ۵۸: ۹۳-۱۱۴.